

بررسی فقهی رجوع شاهد از شهادت

امیر عبدلی^۱، محمدرضا آقاجانی قناد^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور قم (نویسنده مسئول)

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه پیام نور قم

چکیده

در فقه و حقوق، شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی از ارزش بالایی برخوردار است و به وسیله آن اکثر اعمال و وقایع حقوقی قابل اثبات بوده و در دعاوی کیفری و مدنی پذیرفته شده است. تکلیف شرعی و اخلاقی و اجتماعی آحاد افراد جامعه در مقابل دستگاه عدالت ایجاب می‌نماید که افراد در مواقع مختلفی اقدام به اداء شهادت نموده و قاضی را در راستای احقاق حق مساعدت و یاری نمایند. با شهادت شهود حقی که به آن شهادت داده شده به ذمه مشهود علیه ثابت می‌گردد، مگر اینکه شهود از شهادت خودشان رجوع کنند و یا کذب شهادت آن‌ها ثابت شود. همانطور که شهادت در اثبات جرم و صدور رأی تأثیرگذار است، رجوع از آن نیز در صدور حکم تأثیر می‌گذارد. در واقع با رجوع فرد از شهادت در امور کیفری، قاضی با توجه به سایر ادله رأی صادر می‌کند. با توجه به اینکه زمان رجوع از شهادت در چه مرحله‌ای از مراحل دادرسی اعم از قبل از صدور حکم، بعد از صدور حکم، بعد از اجرای باشد احکام مختلفی دارد. به همین علت رجوع از شهادت می‌تواند اهمیت زیادی در صدور احکام قضایی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: شاهد، شهادت، رجوع، دعاوی مدنی، دعاوی کیفری

مقدمه

در میان ادله اثبات دعوا، شهادت از جایگاه بالایی برخوردار است به طوری که هم در نظام‌های حقوقی جهان و هم در اکثر ابواب فقه اسلامی کاربرد وسیعی دارد. لیکن، برخی مواقع ممکن است شاهد از شهادتی که داده، رجوع نماید یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده، در این صورت، به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. حال این رجوع یا قبل و یا بعد از صدور حکم بوده و مورد رجوع نیز یا امر کیفری و یا مدنی است. هرگاه شاهدی پس از اقامه شهادت در محضر حاکم دلیلی ابراز نماید که شهادت وی صحیح نبوده و غلط می‌باشد، خواه این غلط به واسطه اشتباهی بوده است که موجب توهم در ادای شهادت گردیده و یا به دلیل تعمدی بوده که شاهد در بیان شهادت کذب داشته رجوع از شهادت واقع شده است. به عبارت دیگر، رجوع از شهادت حالت شاهی بوده، از شهادتی که اقامه کرده است برگردد یا شاهد اعلام دارد که گواهی او کذب و بر خلاف حقیقت بوده، خواه آنکه موجب آن را بیان نماید، چنانکه بگوید به جهتی از جهات مانند تهدید، تطمیع یا اشتباه بر خلاف واقع شهادت داده است و یا آنکه به موجب آن اشاره نکند. بنابراین رجوع از شهادت احتیاج به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد. (امامی، ۱۳۷۴، ج ۶، ۲۰۵) ممکن است شاهد، از شهادتی که داده، رجوع نماید یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است، در این صورت، به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود. رجوع از شهادت، نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد، بلکه کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید، یا اشتباه و نظائر آن شهادت نادرست داده، در این صورت دادگاه به چنان شهادتی ترتیب اثر نمی‌دهد و اگر بر اساس آن شهادت حکم صادر شده باشد در مرحله تجدیدنظر حکم فسخ می‌گردد، ولی اگر حکم قطعی شده باشد به لحاظ خدشه‌دار بودن شهادت اعاده دادرسی قابل پذیرش نیست، فقط زبان دیده می‌تواند خسارتی که از شهادت کذب دیده از باب تسبیب مطالبه نماید. (مدنی، ۱۳۸۲، ۲۰۸) ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی در بیانی مطلق، رجوع شاهد از شهادت را سبب ترتیب اثر ندادن به شهادت، معرفی کرده و از توضیح بیشتر درباره آثار چنین رجوعی، خودداری کرده است. در فقه، فقها در تبیین آثار رجوع شاهد از شهادت، نسبت به اعتبار شهادت و حکم صادر شده بر اساس آن و مسئولیت شاهد رجوع کننده، اهتمام ورزیده‌اند و حالت‌های گوناگون را مورد توجه قرار داده‌اند. شرایط اجمال و سکوت قانون در باره موضوع مورد بحث، راه حل‌های مطرح شده در فقه به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در حقوق قابل اجراست. (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۷) قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۱۹۸، رجوع از شهادت را تا قبل از اجرای مجازات، موجب سلب اعتبار آن دانسته است، بدون آن که نسبت به احکام مسئولیت شاهد رجوع کننده، تعیین تکلیف نماید. حکم مزبور در شرایطی است که نه تنها مشهور فقها بلکه فتوای معیار قانونگذار، رجوع مؤخر بر صدور حکم را جز در خصوص حدود، باعث نقض آن نمی‌داند. (اکرمی، ۱۳۹۹، ۳۵) ارزیابی ادله فقهی نشان می‌دهد رجوع مؤخر بر صدور حکم حتی اگر بعد از اجرای مجازات تحقق یابد چه در دعاوی موجب حد و تعزیر و چه در موجب قصاص و دیه سبب بی اعتباری حکم

مبتنی بر آن است و محکوم به مالی نظیر دیه در صورت وجود باید به محکوم مسترد، و در صورت عدم دسترسی به آن و نیز نسبت به سایر صدمات اعم از بدنی و غیر بدنی، شاهد ضامن است. گاهی شاهی که شهادت داده است از شهادت خود رجوع می‌کند؛ این رجوع ممکن است در مراحل مختلف رسیدگی پرونده اتفاق بیفتد که در چنین مواردی خواه ناخواه آثاری حقوقی و کیفری بر آن‌ها مترتب می‌شود. (صمیمی، ۱۳۹۷، ۲۶) بنابراین اگر شاهد پس از اداء شهادت، از شهادتش رجوع کند و یا از هر طریقی کذب شهادتش به اثبات برسد، با آثار و تبعاتی مواجه است که در این مقاله به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۱- موارد رجوع از شهادت

به موجب ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی در صورتیکه شاهد از شهادت خود رجوع کند یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود و اگر رجوع از شهادت قبل از صدور حکم باشد چنین شهادتی مسموع نخواهد بود دادگاه به استناد دلایل دیگر مبادرت به صدور رأی می‌کند. ولی اگر بعد از صدور حکم از شهادت خود رجوع کند در خصوص مسأله حق الناس و کسی که بر اساس شهادت متضرر گردیده است می‌تواند طبق اصل قاعده لاضرر و قاعده غرور مبادرت به تقدیم دادخواست علیه شاهد نموده و خسارت بخواهد. (احمدوند و جلیلیان، ۱۳۹۹، ۴۱۷) شاهد پس از اداء شهادت، با آثار و تبعات خواسته و ناخواسته‌ای مواجه بوده و این شهادت غالباً از سه حالت خارج نیست. یا شهادت صحیح و مطابق با واقع اداء شده است، که در این صورت طبق شهادت حکم صادر می‌شود، یا اینکه برای قاضی ثابت می‌شود که او در موضوع شهادت به دروغ متوسل شده است. و یا شاهد با رجوع از شهادت خود اقرار می‌نماید که در این مورد خلاف واقع اظهار نموده است.

۱-۱- رجوع از شهادت در دعاوی مالی

در دعاوی مالی که به واسطه اقامه شهادت مال فردی به تملک فرد دیگری در آمده است. رجوع شاهد ممکن است قبل از صدور حکم یا پس از صدور حکم باشد که به لحاظ تفاوت آثار مترتب بر هر یک از حالات مذکور، مستقلاً مورد بحث قرار می‌گیرند. چنانچه شیخ طوسی فرموده است: زمانی که شهود در نزد حاکم به حقی شهادت بدهد و عدالتشان برای قاضی ثابت شده باشد، سپس از شهادتشان رجوع کند این رجوع دارای سه حالت می‌باشد: (۱) یا قبل از حکم می‌باشد (۲) یا بعد از حکم و قبل از قبض مال می‌باشد (۳) یا بعد از حکم و بعد از قبض است. (طوسی، ۱۳۵۱ ه.ق، ج ۸، ۲۴۶)

۱-۱-۱- رجوع از شهادت قبل از صدور حکم

در صورتی که شهود قبل از صدور حکم از شهادت رجوع نمایند، بدون تردید دادگاه باید از تصمیمی که مبتنی بر درستی شهادت باشد خودداری کند. چنانچه مرحوم آیت الله خوئی (ره) می‌فرماید: «اگر هر دو شاهد از شهادتشان که در اثبات حق

مالی داده‌اند رجوع کنند بعد معلوم شود که در شهادتشان خطا کرده‌اند، اگر این رجوع قبل از حکم باشد قاضی حکم صادر نمی‌کند.» (خویی، ۱۴۲۲ه.ق، ج ۴۱، ۱۸۳) برخی دیگر از فقها گفته‌اند: زمانی که هر دو شاهد یا یکی از آنها از شهادت خود برگردد، برای این رجوع چند حالت وجود دارد که یکی از آن حالات این است که شاهد قبل از صدور حکم رجوع کرده باشد که در این صورت به اتفاق علما حکم صادر نخواهد شد و چنین شهادتی ارزش ندارد. (مغنیه، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۵، ۱۶۵) علتش هم شاید این باشد که صدور حکم تابع شهادت بوده و با رجوع شاهد، شهادت از بین می‌رود و با این عمل ظن حاصله برای قاضی که حکم از آن ناشی می‌شود، نیز مرتفع می‌گردد چرا که صادق بودن شاهد در ادای شهادت و یا رجوع از شهادت محل تأمل قرار خواهد گرفت. طبیعتاً در چنین فرضی چون شهادت منشأ اثر حقوقی نشده، الزامات حقوقی نیز در پی نخواهد داشت؛ اما این عدم ترتیب اثر نافی مسئولیت کیفری شاهی که در دادگاه شهادت دروغ داده است نخواهد بود.

۱-۱-۲- رجوع از شهادت پس از صدور حکم

رجوع از شهادت پس از صدور حکم در دو مرحله ممکن است: اول آن که مفاد حکم اجرا شده باشد. دوم آن که حکم صادر شده ولی هنوز به مرحله اجرا در نیامده باشد. حالت اول را نیز به دو صورت مفروض داشت، آن که عینی که به موجب حکم به محکوم‌له تحویل داده شده به حالت خود باقی است و دیگر آنکه عین محکوم به تلف شده باشد. در این راستا پس از صدور حکم سه حالت قابل تصور است: (۱) حکم اجرا شده و محکوم به تلف شده باشد. (۲) حکم اجرا شده باشد و محکوم به تلف نشده باشد. (۳) حکم اجرا نشده باشد. در خصوص فرض اول اتفاق نظر وجود دارد، بلکه ادعای اجماع شده است. (نجفی، ۱۴۰۴ه.ق، ج ۴۱، ۲۲۲) در چنین صورتی که حکم اجرا شده و محکوم به تلف شده است حکم نقض نمی‌شود و شهود می‌بایست غرامت مشهود علیه را تحمل نمایند. مرحوم آیت الله خویی (ره) در این مورد ادعای اجماع نموده است. (خویی، ۱۴۲۲ه.ق، ج ۴۱، ۱۸۴) همچنان تأیید بر این مطلب روایت از امام باقر یا امام صادق (ع) است که در مورد گواهی که بر علیه شخصی شهادت دهند و سپس از شهادتشان برگردند. اگر امام حکم را بر ضرر آن مرد صادر کرده باشد، شاهدان ضامن آنچه شهادت داده‌اند می‌باشند و باید غرامت دهند و اگر امام حکم صادر نکرده باشد شهادتشان خود به خود باطل و غرامتی نمی‌پردازند. همچنان مرحوم آیت الله خوئی (ره) فرموده است: «اگر شهود بعد از صدور حکم از شهادتشان برگردد ضامن می‌باشد و باید غرامت مشهود به را بکشد.» در خصوص دو فرض دیگر علما و دانشمندان یک دیدگاه ندارند ولی نظر مشهور آن است که در چنین صورتی نیز حکم نقض نمی‌شود و اگر اجرا شده است به حال خود باقی می‌ماند و اگر اجرا نشده باشد اجرا می‌شود. علامه حلی می‌فرماید: «اگر شهود قبل از تلف ولیکن بعد از حکم و استیفاء و یا بعد از حکم و قبل از استیفاء رجوع نمایند، اصلح عدم نقض است.» (حلی، ۱۴۱۳ه.ق، ج ۳، ۵۰۸) مرحوم آیت الله خوئی نیز می‌فرماید: اگر شهود بعد از صدور حکم و بعد از اجرای حکم رجوع کند و

محکوم به هم تلف شده باشد حکم نقض نمی‌شود. همچنان قبل از اجرا و قبل از تلف هم حکم نقض نمی‌شود، بنا بر اظهر و اکثر فقها موافق این نظر است. (خویی، ۱۴۲۲ه.ق، ج ۴۱، ۱۸۵) همچنین حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «در حقوق الناس چنانچه پس از استیفاء، شهود رجوع نمایند. بنابر اقوی حکم نقض نمی‌شود اگرچه عین (محکوم‌به) باقی باشد.»

۲-۱- رجوع از شهادت در دعاوی خانوادگی (مدنی خاص)

در صورتی که دو نفر در غیاب یا حضور شخصی، نزد قاضی علیه او شهادت دهند که همسرش را طلاق داده، سپس از شهادت رجوع نمایند از دو منظر قابل بررسی است. نخست حکم قاضی؛ اگر رجوع شهود قبل از صدور حکم باشد، حکم طلاق صادر نمی‌شود. این مورد اجماع مذاهب اسلامی است. در صورتی که رجوع از شهادت بعد از صدور حکم طلاق باشد، در نقض و عدم نقض حکم طلاق اختلاف نظر است، هر چند عقیده اکثر فقها عدم نقض حکم است، ولی به خاطر اهمیت بحث طلاق، در صورت نبود اجماع، نقض حکم خالی از وجه نیست. دوم ضمانت شهود؛ طلاق معمولاً برای شوهر بار مالی به همراه دارد و حسب مورد که طلاق قبل از عمل زناشویی باشد یا بعد از آن، شوهر نیم یا تمام مهریه را می‌پردازد و پرداخت مهریه در ظاهر امر به خاطر شهادت شهود می‌باشد، بنابراین در صورت وقوع طلاق قبل از عمل زناشویی، طبق نظر مشهور، شهود ضامن پرداخت نیمی از مهریه به شوهر هستند. (رضوان طلب و قدرتی، ۱۳۹۸، ۱۷۳) در دعاوی مدنی خاص نیز ممکن است رجوع شاهد قبل از صدور حکم باشد و ممکن است پس از صدور حکم باشد. چنانچه شهود قبل از صدور حکم توسط حاکم از شهادت رجوع نمایند به شهادت ترتیب اثر داده نشده و حکم صادر نمی‌شود، مثلاً اگر دو نفر واجد شرایط، شهادت بدهند بر اینکه مردی زن خود را مطلقه کرده است و قبل از حکم رجوع نمایند حاکم حکم به اثبات طلاق نمی‌نماید. چنانچه رجوع شهود پس از صدور باشد، حکم قاضی نقض نمی‌شود و در مثال فوق الذکر زن مطلقه است. این مطلب را بعضی از فقها به صراحت بیان کرده‌اند و بعضی دیگر اگرچه تصریح ندارند ولی کلماتی دارند که به دلالت التزام دال بر این است که حکم حاکم نقض نمی‌شود. از جمله اینکه می‌گویند چنانچه شهادت شهود بر طلاق قبل از دخول زوج باشد، شهود ضامن نصف مهر المسمی می‌باشد. صاحب جواهر در کلامی از شیخ طوسی به نقل می‌فرماید: اگر دو نفر مرد شهادت بدهند که مردی زن خود را طلاق داده است و زن عده نگهدارد و با مرد دیگری ازدواج نماید و شوهر دوم با زن نزدیکی نماید سپس شهود رجوع کنند بر شهود حد واجب می‌شود و ضامن مهری هستند که شوهر دوم به زن پرداخته و زن بعد از عده نگهداشتن از شوهر دوم به شوهر اول باز می‌گردد. این کلام در صورتی که مورد آن در جایی باشد که طلاق به حکم ثابت شده باشد مشعر بر این است که حکم حاکم نقض می‌شود. خلاصه آنکه شاهدانی که به ازدواج زنی شهادت داده‌اند و حاکم هم بر اساس شهادت آنان حکم صادر کرده است، اگر از شهادت خود برگردند و مرد همچنان مدعی ازدواج باشد؛ چنانچه طلاق زن قبل از دخول صورت گرفته باشد. نیاز به پرداخت غرامت توسط

شهود نیست. زیرا با شهادت آنان از زن چیزی فوت و تضییع نشده است. اگر دخول انجام شده باشد و مهرالمسمی به اندازه مهرالمثل یا بیشتر از آن، به زن پرداخت شده باشد؛ بازهم غرامتی بر شهود لازم نیست. زیرا توسط زوج، عوض آنچه فوت شده، پرداخت گردیده است و اگر مهرالمسمی مقدارش کمتر از مهرالمثل باشد؛ پرداخت تفاوت آن‌ها بر شهود لازم می‌شود و اگر هم توسط زوج هیچ مهری پرداخت نشده است چون شهود ضامن می‌باشند؛ پرداخت مهر بر عهده آنان خواهد بود. اما چنانچه زن مدعی ازدواج باشد و مرد هم قبل از دخول، زن را طلاق داده باشد در این حالت شهود ضامن نصف مهر می‌باشند و اگر دخول انجام شده باشد چون شهود ضامن مهر هستند چنانچه مهرالمسمی بیشتر از مهرالمثل است، شهود ضامن پرداخت مبلغ زیادتر خواهند بود. (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۳، ۵۱۲) صورت دیگری که متصور است اینکه دو شاهد بر ازدواج زنی با مهریه معین گواهی دهند و دو نفر دیگر بر انجام دخول شهادت دهند چنانچه همه شهود از شهادتشان برگردند، دو احتمال وجود دارد: احتمال اول: تمام ضمان بر عهده شاهدهانی است که بر ازدواج با مهریه معین گواهی داده‌اند؛ زیرا آنان با شهادتشان، پرداخت مهرالمسمی را ضروری ساخته‌اند. احتمال دوم: نصف مهرالمسمی بر عهده شاهدهانی است که بر ازدواج گواهی داده و نصف دیگر را شاهدان بر دخول، موظف به پرداخت می‌باشند؛ زیرا شاهدان بر ازدواج با شهادتشان موجب لزوم پرداخت مهرالمسمی گردیده‌اند و شاهدان بر دخول با شهادت خود، نظر آنان را تثبیت نموده‌اند. همچنین رجوع شهود بر طلاق به دو صورت متصور است: ۱) رجوع قبل از صدور حکم: در این صورت شهادت باطل و به استناد آن حکمی صادر نخواهد شد. ۲) رجوع بعد از صدور حکم: که این خود به دو صورت متصور است: الف) عدم ازدواج مجدد زن ب) ازدواج مجدد زن (بدون دخول - با دخول). رجوع از شهادت بعد از حکم حاکم در مسئله‌ای نظیر طلاق که از امور در حکم اطلاق می‌باشد؛ مستلزم پرداخت مهرالمثل از باب غرامت است. اما در صورتی که بینشان رابطه رضاعی وجود داشته باشد در این حالت، شهادت بر طلاق و رجوع از آن مستلزم پرداخت غرامت نمی‌باشد. (طباطبایی حائری، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۳، ۳۲۸)

۳-۱- رجوع شاهد در دعاوی کیفری

رجوع شهود بعد از اثبات جرم و یا صدور حکم از موجبات سقوط مجازات در حقوق جزای اسلام است. بنابراین در جرائمی که با شهادت شهود ثابت می‌گردد اگر شهود بعد از ادای شهادت و یا صدور حکم بر اساس آن از شهادت خود رجوع کنند، مجازات متعلقه ساقط می‌گردد. رجوع شاهد در مجازات‌ها آن گونه که فقها بیان نموده‌اند ممکن است قبل از صدور حکم یا بعد از صدور حکم باشد و در فرض دوم ممکن است قبل از اجرای حکم و یا بعد از اجرای حکم باشد. اگر شهود در کیفرهای شرعی قبل از صدور حکم قاضی، از شهادت برگردند، از صدور حکم ممانعت می‌شود و شهادت آن‌ها باطل می‌شود و اگر شهود به زنا شهادت داده باشند، حد قذف بر آن‌ها جاری می‌شود و این در صورتی است که شهود بگویند دروغ گفتیم یا به تعمد چنین

شهادتی دادیم و دلیل آن نیز قرآن می‌باشد. (آیه ۴ سوره مبارکه نور) که دلالت بر وجوب حد قذف می‌نماید. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۴ه.ق، ۴۸۸) اگر بگویند در شهادت اشتباه کردیم اقرب این است که حد از آن‌ها ساقط می‌شود. (علامه حلی، ۱۴۱۳ه.ق، ۵۰۷) البته شیخ طوسی در المبسوط معتقد است که در این صورت نیز حد جاری می‌شود و شهیدثانی در مسالک‌الفهام قائل به دو وجه شده است: یکی از آن دو، منع حد است. زیرا فردی که به اشتباه شهادت داده معذور است و البته اظهر وجوب حد بوده و در کشف اللثام نیز سقوط حد اختیار شده است. اگر شهود پس از حکم و قبل از استعفا از شهادت خود رجوع نمایند، چنانچه کیفر از جمله حدود الهی محض باشد به نظر مشهور فقهاء حکم نقض می‌شود و دلیل آن نیز شبهه‌ای است که موجب سقوط حدی می‌شود که مبنای آن تخفیف می‌باشد و همچنین اگر کیفر از جمله حدودی باشد که حق الناس است همانند حد قذف و یا حق مشترک بین خداوند متعال و انسان همانند حق سرقت، نیز حکم نقض می‌شود و دلیل آن نیز اشتراک همه این موارد در عروض شبهه است و در این امر اختلافی وجود ندارد. فقط در کتاب قواعد الاحکام به لفظ اقرب از آن تعبیر شده است که مشعر بر احتمال عدم نقض حکم می‌باشد چرا که ایشان می‌فرمایند: «والاشکال فی حدود الآدمی أفوی». (نجفی، ۱۳۶۳، ۲۲۲) چنانچه رجوع از شهادت پس از صدور حکم و بعد از اجرای آن باشد و شهادت شهود موجب قتل یا جراحی شود، در صورتی که شهود بگویند در شهادت خود تعمد داشتیم در صورت امکان مورد قصاص قرار می‌گیرند و اگر بگویند خطا کردیم از اموال آن‌ها دیه اخذ می‌گردد به علت اینکه همانند شبهه عمد است. اگر بعضی از شهود که از شهادت خود رجوع نموده‌اند بگویند تعمد داشتیم و بعضی دیگر بگویند خطا کردیم، آن‌هایی که تعمد داشته‌اند قصاص می‌شوند و آن‌هایی که خطا نموده‌اند به اندازه نصیبشان باید دیه بدهند. البته فاضل دیه جنایت فرد عامد باید قبل از قصاص وی از شریک او که همان شاهد خطاکننده می‌باشد اخذ و به او داده شود. اگر شهود متعمد در شهادت دروغ که از شهادت خود رجوع نموده‌اند بیش از یک نفر باشند، ولی دم می‌تواند همه آن‌ها را بکشد ولی باید فاضل دیه جنایت هریک از آن‌ها را قبل از کشتن آن‌ها رد نماید. همچنین ولی دم می‌تواند بعضی از آن‌ها را بکشد ولی مقدار فاضل دیه مقتول را به آن‌ها رد نماید و بقیه شهود نیز به قدر جنایت خود به ولی دم رد می‌نمایند.

۱-۳-۱- رجوع از شهادت قبل از صدور حکم

یا رجوع قبل از صدور حکم است، که در این صورت مانند رجوع از شهادت در دعاوی مالی است در صورتیکه شهود قبل از صدور حکم از شهادت رجوع نمایند بدون تردید دادگاه باید از تصمیمی که مبتنی بر درستی شهادت باشد خودداری کند. فقها اتفاق نظر دارند که در چنین موردی شهادت ملغی می‌شود و حکم صادر نمی‌گردد. فرق نمی‌کند که مشهود به هر چه باشد. (مغنیه، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۵، ۱۶۵)

۱-۳-۲ رجوع از شهادت بعد از صدور حکم

یا رجوع بعد از صدور حکم است که این صورت خودش دو حالت دارد: الف) رجوع بعد از حکم و قبل از اجراء ب) رجوع بعد از حکم و بعد از اجراء. در مورد اول به اتفاق علما حکم نقض می‌شود چنانچه جواد مغنیه می‌فرماید: اگر رجوع بعد از حکم و قبل از اجرا باشد و محکوم به از حقوق خداوند باشد به اتفاق همه فقها حکم نقض می‌شود، چون حدود با شبهه دفع می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۵، ۱۶۵) شهید اول هم در لمعه فرموده است اگر شهادت بر قتل، رجم، قطع، جرح، یا حدی باشد و رجوع قبل از اجرا باشد حکم اجرا نمی‌شود، چون حدود با شبهه ساقط می‌شود و رجوع هم شبهه است. صاحب جواهر هم فرموده است اگر شهود بعد از صدور حکم و قبل از استیفا رجوع کنند اگر حد از حقوق خدا باشد حکم نقض می‌شود. بنابر مشهور چون شبهه موجب سقوط حد می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ۲۲۲) اما در صورت دوم اگر مشهود به از قبیل قتل، جرح، و قطع باشد از شاهد سؤال می‌شود که چرا رجوع کرده اگر بگوید که ما عمدا شهادت دروغ دادیم در این صورت از مورد قصاص واقع می‌شود اما اگر بگوید که ما در شهادت خود خطا کردیم در این صورت باید دیه بپردازد. همچنین جواد مغنیه همانند نظر صاحب جواهر را بیان کرده است.

۲- حکم تکلیفی رجوع از شهادت

در صورتی که شهود در ادای شهادت راست گفته باشند، رجوع از شهادت حرام است زیرا با رجوع از شهادت، حق شهودله ضایع می‌شود و ضایع کردن حق دیگران حرام است. برای حرمت این کار شهود می‌شود به آیه شریفه‌ای که در مورد کتمان شهادت وارد شده است استناد کرد که این آیه شریفه به صراحت بر حرمت کتمان شهادت دلالت دارد و می‌فرماید: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ» (سوره مبارکه بقره) و کتمان شهادت ننمایید، که هر کس کتمان کند البته به دل گناهکار است و خدا از همه کار شما آگاه است. در صورتی که شهود در ادای شهادت دروغ گفته باشند رجوع از شهادت واجب است، زیرا شهادت آن‌ها در این صورت شهادت زور و شهادت به دروغ است که از گناهان کبیره می‌باشد. در سوره مبارکه حج آیه ۳۱ می‌فرماید: «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ» از پلیدی بت‌ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افتراء، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید. در حالی که برای خدا حق گرا باشید [و در مناسک حج] به او شرک نورزید. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که در رابطه با شهادت دروغ فرمودند: «يُبْعَثُ شَاهِدُ الزُّورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْلُعُ لِسَانَهُ فِي النَّارِ كَمَا يَدْلُعُ الْكَلْبُ لِسَانَهُ فِي الْإِنَاءِ» (النوری الطبرسی، ۱۴۱۲ه.ق، ۴۱۴) روز قیامت شهادت دهنده به دروغ، در حالی برانگیخته می‌شود که همانند سگ که ظرف غذا را زبان می‌زند، آتش را زبان می‌زند. همچنین در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) آمده است که حضرت فرمودند: «وَمَنْ رَجَعَ عَنِ الشَّهَادَةِ أَوْ كَتَمَهَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ لَحْمَهُ عَلَى رُؤْسِ الْخَلَائِقِ يَدْخُلُ النَّارَ وَهُوَ يَلُوكُ لِسَانَهُ»؛ هر کس شهادت را پس

بگیرد یا کتمان کند، خداوند از گوشتش بر سر مخلوقات به او اطعام کند، در حالی که زبانش را می‌لیسد وارد جهنم می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۰۲، ج ۲۷، ۳۲۰) بر هر مسلمانی واجب است که از شهادت زور و به ناحق اجتناب کند و اگر گاهی به خاطر خطا و یا عمد اتفاق افتاد باید توبه کند. توبه آن به این است که در مجلس قضا از شهادت خود رجوع کند. (شمس الاثمه سرخسی، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۱۶، ۱۷۷) از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «شَاهِدُ الزُّورِ لَا تَزُولُ قَدَمَاهُ حَتَّى تَجِبَ لَهُ النَّارُ» شهادت دهنده به دروغ، هنوز قدم از جای خود بر نداشته است که آتش [دوزخ] بر او واجب می‌شود.

۳- ضمان رجوع کننده از شهادت

با توجه به اینکه رجوع از شهادت، در واقع اعتراف به غیر واقعی و برخلاف واقع بودن شهادت شاهد است، مسئولیت وی نسبت به ضرر مشهود علیه در اثر چنین شهادتی مطرح می‌شود. در چنین شرایطی، رجوع شاهد، اقرار به تقصیر او در ادای شهادت برخلاف واقع است. چنین تقصیری ممکن است عمدی یا غیر عمدی و ناشی از اشتباه یا سهل انگاری باشد. صدور رأی بر اساس چنین شهادتی، باعث می‌شود ضرر حاصل از اجرای رأی، به ادای شهادت یاد شده نسبت داده شود و رابطه سببیت میان شهادت و ضرر را ایجاد نماید. (حسن زاده، ۱۳۹۳، ۷) قانونگذار نسبت به مسئولیت کیفری و مدنی شاهد رجوع کننده، سکوت کرده است که در این خصوص، باید گفت مجازات شاهد در صورت احرار سوء نیت در ادای شهادت خلاف واقع، با مانعی روبرو نیست و علاوه بر آن در صورت ایراد صدمه بدنی به محکوم در اثر اجرای حکم، حسب رکن روانی موجود در حین شهادت، قصاص یا دیه نیز ثابت است. نسبت به سایر صدمات نیز مطابق قواعد باید خسارات تدارک شود، به شرط آن که رابطه سببیت میان آنها و گواهی شهادتی که متعاقباً رجوع می‌کند، برقرار باشد. توزیع مسئولیت نیز متناسب با سهمی است که شاهد در ساختار دلیل اثباتی دعوا داشته است. (اکرمی، ۱۳۹۹، ۶۱) در تحقق مسئولیت شاهد در اثر رجوع از شهادت لازم است بر اساس شهادت شاهد حکم صادر شود، کنار این موارد رجوع پیش از صدور حکم که رجوع مانع از صدور حکم می‌شود، مسئولیتی متوجه شاهد نیست. (طرابلسی، ۱۴۰۶ ه.ق، ۵۴۶) از آنچه که به استناد شهادت شهود حکمی صادر و اجرا می‌شود. چنانچه شهود پس از صدور حکم رجوع نمایند در واقع به دلیلی شهادت غیر واقعی که آنها اقامه کرده اند موجب ایراد خسارت بر مشهود علیه گشته اند که باید به نحوی جبران شود. اصولاً مسئولیت شهودی که رجوع نموده به میزان تأثیری است که تسبیباً در ورود خسارت داشته‌اند. به عنوان مثال، در صورتی که شهودی که دعوی مالی با شهادت آنها ثابت شده است دو نفر باشند و هر دو نفر رجوع نمایند، بالسویه ضامن خسارت مشهود علیه می‌باشند و چنانچه یکی از آن دو از شهادت رجوع نماید ضامن نصف خسارت وارد بر مشهود علیه است. در صورتی که دعوی به وسیله یک شاهد مرد و دو شاهد زن ثابت شده باشد، مرد ضامن نصف خسارت وارد بر مشهود علیه است و هر یک از زنان ضامن ربع خسارت هستند. در بعضی موارد شهودی که اقامه شهادت کرده اند بیش از

عدد لازم مورد نظر شرع برای اثبات یک ادعاست. به عنوان مثال در دعوی مالی سه نفر شهادت دهند یا در اثبات سرقت چهار نفر شهادت دهند و حال آنکه از نظر شرع برای اثبات این موارد دو شاهد کفایت می نماید. چنانچه نفرات زائد بر شهود لازم قبل از حکم رجوع نمایند، به استناد شهادت بقیه شهود حکم صادر می شود و ضمانی بر عهده شهود راجع زائد نیست زیرا حکم مستند به فعل آن ها نمی باشد. ولی چنانچه پس از صدور حکم ولی قبل از اجرای آن رجوع نمایند، در ضمان یا عدم ضمان آن ها نسبت به خسارت وارده بر مشهود علیه اختلاف نظر است. برخی از جمله علامه حلی عقیده دارند که شهود راجع زائد ضامن نیستند و احتمالاً دلیل آن ها این باشد که به صرف صدور حکم و قبل از اجرا خسارتی متوجه مشهود علیه نشده و حکم نیز از شهادت آن ها مستغنی بوده است. برخی دیگر از جمله صاحب جواهر عقیده دارند که بعد از صدور حکم شاهد راجع ضامن است چه حکم استیفاء شده باشد و چه نشده باشد. ولی چنانچه شهود زائد بعد از استیفای محکوم به رجوع نمایند متفق علیه است که هر کدام به تناسب سهم خود در اثبات دعوی ضامن خسارات وارده بر مشهود علیه می باشند. اما اینکه اگر دعوی مالی با شهادت سه شاهد ثابت شود و احد از آنان پس از استیفای محکوم به رجوع نماید ضامن ثلث مال می باشد و یا چنانچه دعوی با شهادت یک مرد و ده زن ثابت شده باشد و مرد رجوع نماید ضامن سدس خسارت وارده می باشد زیرا یک مرد به مثابه دو زن و یا هر دو زن به منزله یک مرد می باشند و مانند این است که دعوی با شهادت شش مرد یا شهادت دوازده زن ثابت شده باشد. لازم به ذکر است، چنانچه به طریقی قطع آور غیر از شهادت دیگران که در این صورت فرض شهود معارض حاصل می شود و غیر از اقرار خود آن ها که رجوع از شهادت است، ثابت شود که شهود به دروغ شهادت داده اند مانند علم بعدی قاضی به دروغ بودن شهادت شهود در این صورت حکم نقض می شود، مال به مشهود علیه بازگردانده می شود و چنانچه اعاده مال متعذر باشد، شهود ضامن خسارت وارده بر مشهود علیه می باشند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد نتیجه می گیریم رجوع از شهادت ممکن است در مراحل مختلف رسیدگی پرونده اتفاق بیفتد که در چنین مواردی خواه ناخواه آثاری حقوقی و کیفری بر آن ها مانند بطلان حکم، ضمان شهود بر مال و قصاص و عدم قبولی شهادت رجوع کننده از شهادت مترتب می شود. رجوع از شهادت، نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد کافی است شاهد مدعی گردد به جهتی از جهات مثل تطمیع، تهدید، یا اشتباه و نظائر آن شهادت نادرست داده است در این صورت دادگاه به چنین شهادتی ترتیب اثر نمی دهد و اگر بر اساس آن شهادت حکم صادر شده باشد در مرحله تجدیدنظر حکم فسخ می گردد، ولی اگر حکم قطعی شده باشد به لحاظ خدشه دار بودن شهادت اعاده دادرسی قابل پذیرش نیست و فقط زیان دیده می تواند خسارتی که از شهادت کذب دیده از باب تسبیب مطالبه نماید. رجوع شهود بعد از اثبات جرم و یا صدور حکم از موجبات سقوط

مجازات در حقوق جزای اسلام است. بنابراین در جرائمی که با شهادت شهود ثابت می‌گردد اگر شهود بعد از ادای شهادت و یا صدور حکم از شهادت خود رجوع کنند، مجازات متعلقه ساقط می‌گردد.

منابع

احمدوند، خلیل الله و جلیلیان، سپیده (۱۳۹۹)، «ماهیت رجوع از شهادت و پیامدهای آن»، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۶.

اکرمی، روح الله (۱۳۹۹)، «رجوع از شهادت پس از صدور حکم کیفری در فقه امامیه و حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲۳.

امامی، سید حسن (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، ج ۶، چ ۶، تهران: انتشارات اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۲.ق)، وسائل الشیعه، کتاب الشهادت، ج ۲۷، باب ۶، حدیث ۱، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.

حسن زاده، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی حقوقی اثر رجوع شاهد از شهادت در دعاوی مدنی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱.

خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲.ق) مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، ج ۴۱، چ ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره.

رضوان طلب، محمدرضا و قدرتی، محمد حسن (۱۳۹۸)، «رجوع از شهادت بر طلاق در فقه شیعه و مذاهب اهل سنت»، دوفصلنامه علمی پژوهشی فقه مقارن، سال هفتم، شماره ۱۳.

شمس‌الائمه سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۰۶.ق)، المبسوط، ج ۱۶، بیروت: دارالمعرفه.

صمیمی، محمد جواد (۱۳۹۷)، «شهادت و آثار رجوع از آن، در دعاوی کیفری از منظر فقه و حقوق»، نشریه معارف اسلامی و حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۶.

طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۰۹.ق)، الشرح الصغیر فی شرح مختصرالنافع، حدیقه‌المؤمنین، ج ۳، چ ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قدس سره.

طرابلسی، سعد الدین ابوالقاسم عبدالعزیز (۱۴۰۶.ق)، المذهب، قم: انتشارات مؤسسه اسلامی.

الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۵۱.ق) المبسوط فی فقه الامامیه، تصحیح و تعلیق محمد الباقر البهبودی، ج ۸، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

علامه حلی (۱۴۱۳ ه.ق)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، طبعه الاولى، جزء الثالث. مؤسسه النشر الاسلامی.

مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۲)، ادله اثبات دعوی، تصحیح ضیاءالدین مدنی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات پایدار.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ه.ق) فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۵ و ۶، چ ۲، قم: مؤسسه انصاریان.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۴ ه.ق) مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشادالاذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، چ ۷، بیروت لبنان: دار إحياء التراث العربی.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، الطبعه السادسة، ج ۴۱، دارالکتب الاسلامیه.

النوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۴۱۲ ه.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، قم: مؤسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث.